

Research Paper

NATO Military Strategy in the Middle East after eleven September and the Security Approach of the Islamic Republic of Iran

MirEbrahim Sedigh¹ Mehdi Ahmadi² Mohsen
Jamshidi^{*3}

¹ Assistant Professor and Faculty Member of Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran

² Graduated from Kharazmi University, Tehran, Iran

³ PhD student in Political Science, Islamic Azad University of Kermanshah, Kermanshah, Iran



10.22080/jpir.2021.19618.1139

Received:

September 20, 2020

Accepted:

April 14, 2021

Available online:

Click or tap to enter a date.

Keywords:

National Security, Missile Defense Shield, Middle East, eleven September 11, NATO

Abstract

Since eleven September, NATO has been one of the most important intervening actors in the region and has played a decisive role in its security structure. Therefore, the expansion of NATO territory in the Middle East is through the admission of new members within the framework of US security goals and the desired security order in the Middle East. This situation can create different scenarios in the security field of the geography around Iran, which will certainly be a threat and threat to the presence of NATO for the Islamic Republic of Iran. The question is, what effect does NATO's military strategy in the Middle East have on the security of the Islamic Republic of Iran? It seems that NATO's presence in the Middle East is to fill the power vacuum in the region, and NATO's long-term presence around the borders of the Islamic Republic of Iran reduces the national security of the Islamic Republic of Iran in the Middle East. The above research is of analytical-fundamental type, with a descriptive-analytical approach and a qualitative-interpretive method. The method of collecting research data has also been done through library studies. The purpose of this study is to investigate the impact of NATO presence on the security approach of the Islamic Republic after eleven September.

***Corresponding Author:** Mohsen Jamshidi

Address: PhD student in Political Science, Islamic Azad University of Kermanshah, Kermanshah, Iran

Email: mohsenmd16@yahoo.com

Tel: Click or tap here to enter text.

علمی پژوهشی

استراتژی نظامی ناتو در منطقه خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون و رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران

میرابراهیم صدیق^۱، مهدی احمدی، محسن جمشیدی*

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
^۲ دانش اموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

doi 10.22080/jpir.2021.19618.1139

چکیده

پس از حوادث یازده سپتامبر تاکنون ناتو یکی از مهمترین بازیگران مداخله گر در منطقه بوده و نقش تعیین کننده ای در ساختار امنیتی آن داشته است. ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه خاورمیانه، به منزله تنگ کردن عرصه نفوذ، واپاش (کنترل) راهبردی و تهدید عمق راهبردی و منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران تلقی میگردد. لذا، توسعه قلمرو ناتو در خاورمیانه از طریق پذیرش اعضای جدید در چارچوب اهداف امنیتی ایالات متحده و نظم امنیتی دلخواه در منطقه خاورمیانه می باشد. که این وضعیت می تواند سناریوهای مختلفی را در حوزه امنیتی جغرافیایی پیرامون ایران رقم بزند که قدر مسلم آن خطر و تهدید بودن حضور ناتو برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. سوال این است که استراتژی نظامی ناتو در خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد؟ بنظر میرسد، حضور ناتو در کشورهای خاورمیانه برای پر کردن خلاء قدرت در منطقه میباشد و حضور طولانی مدت ناتو در اطراف مرزهای ج.ا.ایران باعث کاهش امنیت ملی ج.ا.ایران در خاورمیانه میشود. پژوهش فوق از نوع تحلیلی- بنیادی، با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با روش کیفی - تفسیری صورت پذیرفته است. روش گردآوری داده های پژوهش نیز از طریق مطالعات کتابخانه ای انجام گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی تاثیر حضور ناتو بر رویکرد امنیتی جمهوری اسلامی بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون میباشد

تاریخ دریافت:

۳ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۲۵ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ انتشار:

Click or tap here to enter text.

کلیدواژه ها:

امنیت ملی، سپر دفاع موشکی، خاورمیانه، ۱۱ سپتامبر، ناتو.

* نویسنده مسئول: محسن جمشیدی

آدرس: دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی
کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

ایمیل: mohsenmd16@yahoo.com

تلفن: Click or tap here to enter text.

۱ مقدمه

اروپا و ناتو برای نفوذ بیشتر در خاورمیانه می باشد. با در نظر گرفتن نقش و جایگاه آمریکا در این سازمان و منازعه دیرپای آن با ج.ا.ایران، این مسئله با حضور نیروهای امریکایی در مرزهای ایران انطباق یافته است (کولایی، ۱۳۸۵: ۶۷). در گزارشی که تابستان ۲۰۱۰ کارشناسان ناتو از تهدیدها و فرصت های پیش روی این پیمان تهیه کردند، برنامه هسته ای و موشکی ج.ا.ایران تهدیدی علیه ناتو به حساب آمده است. نگاهی به راهبردها، رهنامه ها و ابزارهای ناتو پس از ۱۱ سپتامبر نشان می دهد که رویکرد ناتو متأثر از رهبران واشنگتن و با هدف توجیه سیاست نظامی گرایانه آمریکا هدایت شده است (مهرورز، ۱۳۹۰: ۲).

۲ بیان مسئله

سازمان ناتو که بزرگترین و مهمترین پیمان نظامی جهان در عصر کنونی به شمار می رود و قوی ترین دولتهای دنیا از نظر اقتصادی، نظامی و ... در آن عضو هستند، میتواند نقش مؤثری در تعیین معادلات حاکم بر تدوین استراتژیهای سیاست خارجی و ترتیبات امنیتی داخلی و منطقه ای کشورهای نیم کره شرقی داشته باشد و از آنجا که ایران از جمله معدود کشورهایی است که میان دو منطقه استراتژیک اوراسیا و خاورمیانه (که هر دو از اهداف مهم سیاست نگاه به شرق به شمار میروند) قرار گرفته است، بیش از سایر کشورها دغدغه حضور ناتو در همسایگی خود را باید داشته باشد. یکی از حوزه هایی که ناتو در آن گام نهاده، خاورمیانه است. در سالهای اخیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با خواست و اراده واشنگتن وارد خاورمیانه شده است. خاورمیانه بیش از هر منطقه دیگری جولانگاه قدرت های فرامنطقه ای است. مشاهده می شود که شبکه ای از پایگاه های نظامی و اطلاعاتی امریکا و ناتو در جوار محیط امنیتی ایران از جمله تهدیدات ناتو برای ایران است از جمله همکاری های امنیتی میان ناتو و کشورهای

پیمان ناتو که در سال ۱۹۴۹ شکل گرفت بخشی از برنامه ریزی دفاعی و راهبردی آمریکا در سیاست بین الملل محسوب میشود. هدف ایالات متحده از سازماندهی پیمان آتلانتیک شمالی عمدتاً مقابله با کمونیسم و اتحاد شوروی در اروپای غربی و حوزه مدیترانه بود. گسترش حوزه فعالیت ناتو به خارج از قلمرو جغرافیایی اروپا، یکی از مهم ترین تحولاتی است که در حوزه امنیت بین المللی و منطقه ای در حال شکل گیری است (حق شناس، ۱۳۹۰: ۸۰). کشورهای عضو ناتو، در اساسنامه این پیمان، ضمن تأکید بر پایبندی خویش به اصول و اهداف منشور ملل متحد و آرمانهای آن مبنی بر زندگی مسالمت آمیز تمام دول و ملل، اراده خود را برای حفاظت از آزادی، میراث و تمدن مشترک ملل عضو که براساس اصول دموکراسی، آزادی فردی و حاکمیت قانون بنا شده است، اعلام داشته و تقویت ثبات و رفاه منطقه آتلانتیک را به عنوان خواسته خویش مطرح کردند. پس از یازده سپتامبر، آمریکا دامنه تهدیدها را به تروریسم، افراط گرایی اسلامی و خطر سلاح های کشتار جمعی گسترش داد. رویکرد آمریکا در این راستا که با حمایت برخی از اعضای ناتو همراه شد، تا جایی پیش رفت که ایده ی ناتو به عنوان «بازوی نظامی سازمان ملل» و یا «پلیس جهانی» از سوی برخی از اعضای این سازمان مطرح شد (مهرورز، ۱۳۹۰: ۱۱). خاورمیانه، منطقه ای است که تحت سیاست های نظامی و سلطه طلبانه آمریکا، فشار زیادی را متحمل شده است و ناتو هم یکی از ابزارهایی است که غرب برای گسترش نفوذ خود در خاورمیانه به آن روی آورده است. خاورمیانه یکی از مناطق استراتژیک است که در تدوین راهبردهای آینده ناتو نقش محوری دارد. حادثه ۱۱ سپتامبر و غلبه گفتمان تروریسم و تهدید و خشونت در نظام بین الملل در کنار گسترش سلاح های کشتار جمعی در قرن ۲۱ به عنوان دو شاخص و معیار ایجاد اشتراک و اتحاد میان آمریکا، اتحادیه

اند معتقدند که حضور ناتو در منطقه برای فشار بر جمهوری اسلامی و محدود کردن این قدرت منطقه ای بر مرزهای خود بوده است.

• **ب:** مرتضی شجاع در مقاله ای با عنوان بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه با تاکید بر امنیت جمهوری اسلامی که این مقاله را فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی در شماره چهارم در زمستان ۱۳۸۸ منتشر شده است. نویسنده معتقدند که امنیت جمهوری اسلامی در منطقه با حضور نیروهای مشترک با مخاطرات و پیامدهایی روبه رو بوده و خواهد بود.

• **ج:** ابراهیم متقی و همکاران در مقاله ای با عنوان عوامل گسترش مرزهای ژئوپولیتیکی ناتو و امنیت ملی ج.ا.ایران که این اثر را مرکز تحقیقات راهبردی در شماره دوم و در شهریور ۱۳۹۱ منتشر نموده است. نویسندگان در این مقاله اعتقاد دارند گسترش حوزه نفوذ ناتو در نظام بین الملل بر امنیت منطقه خاورمیانه نیز تاثیر گذار بوده است. اثرات دیگری از جمله: اسدی (۱۳۸۶)، دلورپور (۱۳۸۸)، تتماج (۱۳۹۱)، و ترابی (۱۳۹۲) نیز در این راستا به رشته تحریر در آمده اند.

۴ مبانی نظری

موازنه قدرت از جمله پایدارترین مفاهیم نظری در حوزه روابط بین الملل است. توازن قوا دارای معانی مختلفی است و تحلیلگران این تئوری نتوانسته اند بر معنای واحدی اتفاق کنند. موازنه در واقع رفتار یک دولت است که به لحاظ عملی با تمرکز سیستمیک قدرت پیوند خورده است. در شرایط آناشری، دولت ها به صورت مداوم نگران امنیتشان در سیستم هستند و این نگرانی باعث تحریک

حاشیه خلیج فارس، مذاکره ناتو با رژیم صهیونیستی، حضور فعال در آسیای مرکزی و شبه قاره هند، مبارزه با تروریسم و گسترش دموکراسی و همکاریهای امنیتی و سرانجام استقرار سپر دفاعی در ترکیه منجر به روند روز افزون حضور نظامی ناتو در حوزه امنیت ملی ایران شده است.

ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه، به منزله تنگ کردن عرصه نفوذ، واپاش (کنترل) راهبردی و تهدید عمق راهبردی و منافع و امنیت ملی ایران تلقی میگردد. هدف این مقاله، شناخت دقیق استراتژی ناتو در خاورمیانه و پیامدهای حضور ناتو در محیط پیرامونی ج.ا.ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی کشورمان است. که این حضور باعث هر چه بیشتر ناتو در منطقه ی خاورمیانه، پیچیده شدن مسائل امنیتی در منطقه و مقابله با توان دفاعی کشورمان میباشد. در این مقاله ابتدا به استراتژی نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر تاکنون اشاره خواهد شد. سپس به حضور ناتو در خاورمیانه، سپس به راهبرد نظامی ناتو در خاورمیانه، بعد به نقش ناتو در طرح خاورمیانه بزرگ و در آخر به پیامدهای حضور نظامی ناتو در خاورمیانه بر امنیت ج.ا.ایران پرداخته خواهد شد.

۳ ادبیات پژوهش

در رابطه با موضوع مورد نظر نگارندگان مقالات بسیاری به رشته تحریر در آمده اند اما هیچ کدام از زاویه ای که نگارندگان به موضوع پرداخته اند بررسی نشده است. در ادامه چند اثر را که با موضوع سنخیت بیشتری دارند مورد بررسی قرار می دهیم:

• **الف:** سید محمد رضا شمس دولت آبادی و دیگران در مقاله ای به نام تبیین پیامدهای ژئوپلیتیکی قلمرو گسترده ناتو و امنیت ملی جمهوری اسلامی که فصلنامه امنیت ملی در سال هشتم و شماره ۲۷ در بهار ۱۳۹۷ منتشر نموده

ناتو در منطقه حساس خاورمیانه و استفاده از بازدارندگی برای امنیت خود را انجام دهد.

۵ استراتژی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر

حادثه ۱۱ سپتامبر بر روابط بین الملل و نیز وضعیت ناتو تأثیر بسیاری داشت، به طوری که گردش توجهات این اتحادیه به سوی جهان اسلام به خصوص اعراب و القاعده و گسترش بیشتر به سوی اروپای شرقی و حساسیت زدایی از روسیه از جمله این تأثیرات است. حادثه یازده سپتامبر عامل تشدید اندیشه امنیت‌گرایی در بین نخبگان سیاسی آمریکا گردید. به همین دلیل است که کاربرد نیروی عملیاتی را می‌توان در راهبرد عملیات پیشدستانه مورد توجه قرار داد (متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۳). رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و جنگ در افغانستان، مرحله تازه‌ای برای مأموریت‌های ناتو و گسترش اختیارات این سازمان پدید آورد و این پیمان دفاعی را تبدیل به پیمانی با واکنش سریع کرد (حق شناس، ۱۳۹۰: ۸۲).

ناتو در عرصه جنگ علیه تروریسم و مبارزه با افراط‌گرایی، دامنه نفوذ خود را به مناطق وسیعی از جهان در چارچوب اهداف از پیش تعیین شده‌ی ایالات متحده گسترش داده است. به گونه‌ای که آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بیش از گذشته تلاش کرد تا از ناتو به عنوان بازوی نظامی خود استفاده کند (مهرورز، ۱۳۹۰: ۲۱). مأموریت‌های صرفاً نظامی ناتو پس از یازده سپتامبر به مأموریت‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی مبدل شده است. امنیت‌سازی، بازسازی و ارتش‌سازی از وظایف جدید ناتو پس از ۱۱ سپتامبر محسوب می‌شود (هادیان، ۱۳۸۶: ۱۱۷). پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقش دفاعی و نظامی ناتو پر رنگ‌تر شد. گسترش حوزه فعالیت ناتو به بیرون از اروپا یکی از برجسته‌ترین دگرگونی‌ها در حوزه‌های امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است.

دولت‌ها به سمت ارائه رفتاری توازن بخش به عنوان یک رفتار خودیاری خردمند می‌شود. نو واقع‌گرایی همانند واقع‌گرایان کلاسیک چون نظام بین‌الملل آنارشیک است بنابراین باید به اصل خودیاری و قدرت متوسل شد. رئالیست‌ها ضمن تأکید بر موضوع «امنیت» معتقدند که چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. بنابراین می‌باید از تمهیداتی همچون «موازنه قدرت» و «بازدارندگی» بهره‌جست (قوام، ۱۳۸۵: ۳۷۵).

در این میان می‌توان به کنت والتز اشاره کرد. کنت والتز ویژگی مهم نظام بین‌الملل را ناشی از فقدان حکومت مرکزی می‌داند. در اصطلاح نظر والتز سلاح‌های غیر متعارف را نیز لحاظ کرده است (سیف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۰). تأکید کنت والتز بر جایگاه بازیگر در نظام بین‌الملل، نشان‌دهنده تلاشی است که او در جهت واقع‌گرایی چون مورگنتا، کسینجر و اشتراوس بکار می‌برد. والتز در این خصوص یاد آور می‌شود که: هدف نهایی هر دولت، تحصیل امنیت است؛ زیرا دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌دانند چه میزانی از امنیت در یک سیستم آنارشیک برایشان کفایت می‌کند (Waltz, 1979: 48). در نظریه والتز ساختار نظام بین‌الملل عامل بنیادی در شکل‌دهی به رفتار دولت‌ها شمرده می‌شود. از این رو والتز رابطه‌انگیزه رفتاری دولت‌ها با آشفتگی (آنارشی) حاکم بر نظام بین‌الملل را بیان می‌دارد. به تعبیر دیگر در شرایطی که دولتی جهانی برای اجرای مقررات وجود ندارد و فضایی از بی‌امنی حاکم است هر دولت ناچار است که درصدد تأمین امنیت خود باشد. معمای امنیت برای همه دولت‌ها بدون توجه به ویژگی‌های متفاوت ساختار داخلی آن‌ها مشترک است. بهترین راه برای تأمین امنیت نیز تلاش برای افزایش قدرت و توان ملی است. بنابراین با توجه به این که ناتو حضور فعالی در خاورمیانه دارد بنابراین ج.ا.ایران باید تمام تلاش خود را در جهت بازدارندگی و موازنه در مقابل

آمریکا، جایگاه مستحکم تری نسبت به گذشته کسب کرد.

۶ حضور ناتو در خاورمیانه

تصمیمات نهایی برای ورود ناتو به خاورمیانه در اجلاس استانبول (۲۰۰۴) و ریگا (۲۰۰۶) گرفته شد. در اجلاس استانبول طرحی مورد توافق قرار گرفت که به ابتکار همکاری های استانبول موسوم است (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۰۴). محدوده ای که قبلاً برای فعالیت ناتو در نظر بود، قاره ی اروپا بود و این به دلیل آن بود که تهدیدهای اصلی در مقابل ناتو در این محدوده قرار داشت. اکنون با تعریف جدید از امنیت گستره حوزه امنیتی غرب بسیار فراتر از قاره اروپا خواهد بود و همه نظام بین المللی را در بر می گیرد و هنگامی وظیفه ناتو تأمین منافع امنیتی اعضا باشد، سپس گستره فعالیت آن نیز به مناطقی که منافع حیاتی اعضا در آن قرار دارد، گسترش خواهد یافت. در واقع ناتو در باره موجودیت خود و اهداف آینده در یک روند پیچیده قرار دارد.

به اعتقاد تئوریسین های ناتو، خطر آینده هر چند کمتر از سابق است، اما محتمل تر و چند جانبه خواهد بود. به اعتقاد اینان علی رغم خاتمه جنگ سرد و پایان یافتن خطر کشورهای کمونیستی، ناتو باید همچنان با توجه بیشتر به کشورهای موسوم به جنوب و نقاطی که ممکن است منافع غرب را در جهان بی ثبات سازد، حفظ شود. ناتو در اوایل هزاره سوم پا را از این فراتر نهاد و با ورود به جنگ افغانستان عملاً به توسعه طلبی خارج از مرزهای اروپایی پرداخت. اوج دگرگونی در عملکرد و ساختار ناتو را می توان در سال ۲۰۱۰ یعنی زمان بازنگری و تدوین رهنامه (دکترین) راهبردی ناتو برای سال ۲۰۲۰ مشاهده کرد (تتماج، ۱۳۹۱: ۳۲).

خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق استراتژیک جهان که دچار بی ثباتی بالقوه نیز می باشد، همواره برای منافع غرب اهمیت خاصی داشته و دارد. این منطقه به عنوان منبع حیاتی انرژی غرب و خصوصاً

رهبران ناتو کوشیده اند به دنبال دگرگونیهای بین المللی، تعریفی تازه از مأموریت های ناتو در فضای تازه بین المللی به دست دهند. حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محیط بین المللی جدیدی را در سراسر جهان به وجود آورد. ناتو برای اولین بار به ماده پنج اساسنامه خود توسل جست و به آمریکا پیشنهاد کرد تا برای جنگ علیه تروریسم با آن کشور همکاری کند. در طول سال ۲۰۰۲، ناتو دکترین ها، طرح ها و ساختارهای نظامی ضروری را برای مداخلات جهانی محتمل، ساختار فرماندهی، نیروی واکنش سریع جدید و غیره تدوین کرد، چنین اقدامی گامی بزرگ و برگشت ناپذیر در دور شدن از سیستم دفاع جمعی به عنوان کارکرد اولیه این سازمان نیز بود (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۶۴). موضوع تروریسم این فرصت را برای ناتو جهت تبیین هویتی جدید از این سازمان نظامی فراهم آورد. بنابراین اولین نشانه های راهبرد جدید پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در سخنرانی سالانه بوش در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ در کنگره که از محور شرارت سخن گفت. یازده سپتامبر واقعه ای بود که به ناتو و فلسفه وجودی آن هویتی جدید بخشید، پس از بحران به وجود آمده شرکای آمریکایی و اروپایی با معتدل کردن رفتارهای خود که اتحادیه را به خطر انداخته سعی کردند بار دیگر در برابر تهدیدات جدید و فزاینده به ویژه مباحث جهان اسلام، گسترش تروریسم و سلاح های کشتار جمعی، متحد عمل کنند. حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در چرخش ۱۸۰ درجه ای در رویکردها و ماهیت کارکردی ناتو محسوب می شود. رویکرد ۱۱ سپتامبر نمایش قدرت خاصی را برای نیات، حداقل از منظر مشروعیت بخشی به فلسفه وجودی آن، به ارمغان آورد. پس از این حادثه، ناتو که به تعبیری، پیشتر فلسفه وجودی و ماهیت کارکردی خود را از دست داده بود، به عنوان یک سازوکار امنیتی- راهبردی علیه تروریسم و عوامل معارض با ثبات سیطره طلبانه

رنالیستی موازنه قوا قابل بررسی است. اگر چه بوش پسر سعی کرد تا در قالب طرح خاورمیانه بزرگ زمینه های تغییرات گسترده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد نظر را در منطقه فراهم آورد (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۰۸). بنابراین بوش در این زمان می گفت که اعضای ناتو به سمت ملت هایی در خاورمیانه می روند تا توانایی ما را برای مبارزه با ترور و تأمین امنیت مشترک تقویت بخشند (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۱۸).

مبارزه با تروریسم و گسترش سایه نظامی ناتو می تواند از جمله خطرات تروریستی در مناطق مدیترانه و خاورمیانه را علیه منافع غرب بکاهد و ابزارهای لازم امنیتی را برای کشورهای غربی، جهان تک قطبی و آمریکا به منظور کنترل امنیتی این مناطق فراهم کند. همچنین نقش ناتو در طرح خاورمیانه بزرگ است که سه هدف عمده ی ادعایی را برای خاورمیانه مد نظر قرار داده است: گسترش دموکراسی؛ برپایی حکومت های میانه رو و ایجاد جامعه مدنی و توسعه ی فرصت های اقتصادی (قوام ملکی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). استراتژی های جدیدی که ناتو پس از جنگ سرد، برای حفظ و بقای خود در پیش گرفت، مثل طرح مشارکت برای صلح و رویکردهای فرمانطقه ای، باعث شد که در مناطق استراتژیکی همچون خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان حضور پیدا کند. در نوامبر ۲۰۱۰ کشورهای عضو ناتو راهبرد جدید این اتحادیه تحت عنوان «نقشه راه ناتو برای ده سال آینده» را تصویب کردند. نقشه راه جدید، به نیروهای این اتحادیه اجازه می داد فراتر از مرزهای اروپا عمل کنند. باتوجه به ضرورت انجام اصلاحات ساختاری در ناتو به منظور آمادگی نیروهای نظامی جهت مقابله با تهدیدات جدید پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا خواستار افزایش بودجه دفاعی کشورهای اروپایی عضو ناتو بوده در مورد تجهیزات جدید نظامی نیز آنان برای حمل و نقل هوایی، دریایی و مخابرات و همچنین برای ادوات دفاعی علیه تسلیحات هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک اولویت قائل شده اند (ثقفی

اروپا حساسیت قابل توجهی را داشته باشد و لذا گنجاندن آن در حوزه فعالیت ناتو، پدیده ای دور از انتظار نیست. در رابطه با وادار کردن خاورمیانه به حوزه فعالیت ناتو ذکر ۲ نکته ضروری است که هر کدام می تواند در آینده بر انسجام درونی ناتو یا حداقل بر دیدگاه های ناتو راجع به این منطقه تأثیر بسزایی داشته باشد:

۱. نکته اول این که میان آمریکا و متحدان اروپایش در رابطه با منطقه خاورمیانه هماهنگی و اتفاق نظر وجود ندارد و این امر بخصوص در مورد اصلی ترین چالش صلح و امنیت در این منطقه یعنی بحران میان اعراب و اسرائیل مشهود است. درحالی که آمریکا در مناقشه به حمایت کامل از اسرائیل اعتقاد دارد، بیشتر کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه دیدگاهی میانه رو دارد، تا جایی که پاره ای از کشورهای اروپایی از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی حمایت به عمل آورده اند.

۲. نکته دوم این که با نفوذ گسترده ای که در خاورمیانه و خلیج فارس و خصوصاً کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس دارا می باشند و این مناطق را حوزه نفوذ خود تلقی می کند، بعید به نظر می رسد که این کشور موافق با دخالت و نفوذ عمیق ناتو در این مناطق همدلی داشته باشد، چرا که در این صورت ورود ناتو به بطن تحولات منطقه ای می تواند زمینه نفوذ جدی هم پیمانان آمریکا که به نوعی رقیبان آن محسوب می شوند را فراهم آورد.

۷ راهبرد نظامی ناتو در خاورمیانه

خاورمیانه یکی از همان مناطق استراتژیک است که در تدوین راهبردهای آینده ناتو نقش محوری دارد (دهقانی، ۱۳۸۳). از بدو ورود آمریکا به خاورمیانه تاکنون امنیت منطقه ای در قالب الگوی

عامری، ۱۳۸۶: ۱۶). بنابراین به اقدامات نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر در خاورمیانه اشاره خواهد شد:

۷.۱ عراق

حضور ناتو در عراق مشابه مدل افغانستان از بستر عضویت ناظر عراق در آن سازمان و اعطای اختیارات و امتیازات جدید آمریکا به ناتو امکان پذیر است. اجلاس بین المللی بهاره ۲۰۰۷ شرم الشیخ بیشتر به بازسازی عراق و بخشودگی بدهی های آن کشور اختصاص داشت. با تشکیل دولت موقت عراقی که یکی از شروط ناتو برای حضور در این کشور بود بحث پیرامون موضع این سازمان در قبال عراق، در دستور کار اجلاس استانبول قرا گرفت و اعضای ناتو با ارسال تجهیزات و مربیان ویژه برای آموزش نیروهای امنیتی عراق به این کشور، موافقت کردند (تیشه یار، ۱۳۸۴: ۱۷۱). در عین حال، ایالات متحده اعلام کرده است که افسران مزبور تحت امر فرماندهی ناتو بوده و باید در مدرسه ای نظامی در بغداد از ابتدای ژانویه ۲۰۰۵ به تعلیم افسران عراق بپردازد. از سوی دیگر، بنا بر به درخواست مقامات عراقی، فرماندهی ناتو مصمم است تا در زمینه ی کنترل مرزهای عراق وارد عمل شده، امنیت را در این منطقه برقرار سازد و مانع ورود تسلیحات، نیروهای خارجی و کالاهای قاچاق شود (تیشه یار، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

۷.۲ کشورهای حاشیه خلیج فارس

نقطه آغازین همکاری های ناتو با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به نشست سران ناتو در سال ۲۰۰۴ برمی گردد. کشورهای کویت، قطر، بحرین و سپس امارات متحده عربی قراردادهایی را با ناتو منعقد کردند. برپایی دفاتر عمومی ناتو در بحرین و اعزام مربیان و متخصصین ضد تسلیحات هسته ای به کویت، آموزش و تجهیز واحدهای نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به شرط تحقق شفاف سازی در بودجه نظامی و اصلاحات در مسائل امنیتی و نظامی از جمله مسائلی است که در اجلاس استانبول بین ناتو و کشورهای حاشیه خلیج فارس منعقد گردید (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۶۰). گسترش حضور نظامی ناتو در منطقه، گفتگوی

امنیتی با همسایگان ایران به ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، تعهد به آموزش نظامی نیروهای این کشورها و تبادل اطلاعات در مورد ایران نیز از جمله نقش های احتمالی ناتو در برخورد با مسئله هسته ای ایران در نظر گرفته شده است (Roos, 2008). واشنگتن با ایجاد ترس از تهران در میان دولت های عرب، می کوشد تا ناتو را وارد منطقه کند و از این نظر قدرت منطقه ای ایران را مهار و محدود سازد. البته دولت های عرب نیز از ایران هراس دارند، از این رو از ورود ناتو به خاورمیانه حمایت خواهند کرد. زیرا ناتو نه تنها امکانات مناسبی برای مقابله با تهدیدات ایران فراهم خواهد کرد، بلکه آنها را از انفعال خارج کرده و موضع آنها را نسبت به تهران تهاجمی خواهد ساخت. به همین دلیل است که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از ناتو خواستند، تا وارد منطقه خلیج فارس شود (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۰۱).

۷.۳ ناتو و رژیم صهیونیستی

رابطه ناتو با رژیم صهیونیستی به اجلاس گفت و گوی مدیترانه و مشارکت صلح برمی گردد. گفت و گویی که در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد. ورود ناتو به مسائل خاورمیانه بدون توجه به اسرائیل که در بخش مرکزی کریدور ورودی ناتو به خاورمیانه قرار دارد، امکان پذیر نیست. اسرائیل از اعضای دیالوگ مدیترانه است که همراه با ناتو مشارکت برای صلح و امنیت را به پیش می برد. اسرائیل در کنار روابط استراتژیک با آمریکا و مناسبات عمیق با متحدین واشنگتن برای برقراری توازن قدرت و توازن استراتژیک در منطقه از اتصال به ناتو برای تأمین امنیت خود استقبال می کند. بی شک عضویت اسرائیل در ناتو می تواند موجب درگیر شدن ناتو در فرآیند صلح خاورمیانه شود.

طرح گفت و گوی مدیترانه زمینه عملی گسترش روابط ناتو و اسرائیل را فراهم کرده است. این طرح مشتمل بر برگزاری نشست مقامات سیاسی، تبادل اطلاعات تکنولوژی نظامی، برگزاری کنفرانس و مانورهای نظامی و تبادل اطلاعات پیرامون مباحث

در اکتبر ۲۰۰۶ ناتو و اسرائیل بر سر برنامه ای با عنوان برنامه همکاری های ویژه امضا گردید، مقرر شد تا دو طرف به تبادل اطلاعات با یکدیگر بپردازد. این موافقت نامه در عمل زمینه ای فراهم ساخت تا این رژیم با ارئه گزارش های متعدد از قابلیت های هسته ای و موشکی ج.ا.ایران به ناتو، نگاه این این اتحادیه را به مسائل امنیتی ایران تحت تأثیر قرار دهد(مهرورز، ۱۳۹۹: ۱۴۸). از زمان تشکیل دولت یهودی، اسرائیل به عنوان عامل غرب و منافع آن در خاورمیانه و جهان عرب تلقی می شود. اسرائیل یک عضو فعال عملیات ناتو در شرق مدیترانه است. گرچه اسرائیل عضو ناتو نیست، اما اسرائیل همراه با ترکیه محور اصلی تقویت ناتو در خاورمیانه هستند. ترکیه و اسرائیل نامزد گرفتن نقش های نظامی در منطقه مدیترانه در آینده به شمار می روند. بنابراین از منظر مقامات اسرائیلی ناتو می تواند این تضمین امنیتی را برای اسرائیل به عنوان عضو جدید سازمان فراهم آورد. از سوی دیگر، مقامات سیاسی آن کشور در نظر دارند با عضویت در آن سازمان، ناتو بتواند چتر امنیت هسته ای را برای اسرائیل در صورت ایجاد منطقه عاری از سلاح های هسته ای در منطقه فراهم سازد.

۷.۴ ترکیه

موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه اهمیت ویژه ای را در سیاست های جدید ناتو در قرن جدید به دست آورد. همجواری این کشور از سویی با کشورهای مهم خاورمیانه و از سوی دیگر با کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز، نه تنها اسباب حضور مستقیم ناتو در نزدیکی این مناطق را تسهیل می ساخت، بلکه این کشور می توانست الگوی مناسبی از شکل گیری دو دموکراسی سکولار(آذربایجان و ترکیه) در جامعه ای سنتی برای کشورهای هم مرز خود باشد(متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

اجلاس سران ناتو در لیسبون، پایتخت پرتغال که در ۱۹ و ۲۰ نوامبر ۲۰۱۰ (۲۸ و ۲۹ آبان ۱۳۸۹) برگزار

مرتبط با تروریسم است. اما مهم ترین اقدام راهبردی و مؤثر اسرائیل و ناتو به منظور هم گرایی، در سال ۲۰۰۱ با امضای پیمان رفع موانع امنیتی آغاز شد. با عقد این پیمان، اسرائیل اجازه یافت تا در برنامه های دفاعی ناتو شرکت کند(قوام ملکی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). افزون بر این اسرائیل تنها کشور در خاورمیانه است که از زراد خانه های هسته ای برخوردار می باشد. بنابراین مسئله هسته ای ایران نیز بیش از هر کشوری برای اسرائیل خطرناک است؛ بنابراین اسرائیل قصد دارد تا خود را در جامعه اروپایی- آتلانتیکی مطرح سازد و از این طریق، مسئله امنیت خود را برای همیشه حل و فصل نماید و اسرائیل تلاش دارد با یک برنامه ریزی برای همکاری دو جانبه با ناتو را فراهم کند(Asmus,2007:6)

به طور کلی تقویت روابط با ناتو، برای اسرائیل فرصت هایی ایجاد می کند که از جمله می توان به تقویت مناسبات سیاسی امنیتی با کشورهای اروپایی اشاره کرد. از آنجا که بسط مناسبات اسرائیل و ناتو در حوزه امنیتی به توسعه مناسبات سیاسی نیز تسری می یابد. لذا تقویت همکاری امنیتی با کشورهای عضو ناتو، اسرائیل را به لحاظ موقعیت سیاسی توانمند خواهد ساخت. به علاوه، یکی دیگر از فرصت های تقویت روابط ناتو و اسرائیل، توانمند سازی قدرت بازدارندگی اسرائیل در قبال دشمنان خود است. اگر اسرائیل به عضویت ناتو در آید، ماده ۵ اساسنامه ناتو، به عاملی برای تضمین موجودیت آن تبدیل می شود. همچنین می توان به تقویت فناوری های نظامی پیشرفته و تبادل اطلاعات و تجهیزات نظامی نیز به عنوان یکی دیگر از فرصت های نزدیکی روابط اسرائیل با ناتو اشاره کرد. بنابراین نزدیکی اسرائیل به ناتو برای آمریکا نیز دارای منافع اساسی است. این کشور به مثابه ی مهمترین حامی اسرائیل، اروپا را در پروسه ی حمایت از اسرائیل وارد می سازد و از آن طریق حوزه های نفوذ اروپا در خاورمیانه را گسترش می دهد.

طرح دفاع موشکی پیشنهادی را در خاک ترکیه جلب نماید. با این حال، به اعتقاد برخی از کارشناسان هدف اصلی آمریکا از طرح سپر دفاع موشکی ناتو در این کشور ایجاد تنش در روابط ترکیه-ایران و جلوگیری از توسعه همکاری‌ها بین ترکیه-روسیه ارزیابی شده است (قلی زاده، ۱۳۸۹: ۸).

۸ نقش ناتو در طرح خاورمیانه بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ برای نخستین بار در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۲ توسط کولین پاول مطرح گردید.^۳ متعاقباً، در ژانویه سال ۲۰۰۳ معاون رئیس جمهور ایالات متحده، دیک چینی در اجلاس^۴ سازمان جهانی اقتصاد که در شهر داووس سویس برگزار گردید، استراتژی پیشرو برای آزادی را مطرح ساخت که دولت آمریکا را متعهد به حمایت از کسانی می نماید که در راه اصلاحات در خاورمیانه بزرگ فعالیت می نمایند و فداکاری به خرج می دهند. بعد از ۱۱ سپتامبر، آمریکا به این نتیجه رسید که دموکراتیزاسیون در خاورمیانه باعث جلوگیری از رشد تروریسم خواهد شد و ارزش های دموکراتیک فضای کمتر را برای تروریسم به وجود می آورد. بنابراین این امر فرصتی را در اختیار اتحادیه اروپایی قرار می دهد تا به جای اتخاذ مواضع انفعالی در قبال ابتکارات آمریکا نقش شایسته خود را در قبال منطقه ایفا نماید. آمریکا در چهارچوب طرح خاورمیانه بزرگ خود و ایجاد تغییرات در کشورهای عربی محیطی را پدید خواهد آورد که فلسطین و اسرائیل بتوانند به تدریج به توافق برسند (قلی زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۷). که می توان در این مورد به نقش ناتو اشاره کرد. تمامی کشورهای عضو ناتو در اجلاس ۲۰۰۴ استانبول بر گسترش مسئولیت های ناتو در منطقه خاورمیانه تأکید کردند. در واقع کشورهای ناتو ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه را کلیدی برای آرامش و ثبات در کل دنیا می داند. پس از

شده، یکی از نقاط عطف و تعیین کننده در مسیر اجرایی شدن طرح سپر دفاع موشکی به شمار می رود. افزون بر این، نشست دو روزه اعضای ناتو در لیسبون پرتغال در حالی به پایان رسید که به طرح جدید ایجاد سپر دفاع موشکی برای مقابله با حملات موشکی اشاره کرد. همچنین اعضای ناتو در نشست لیسبون ترکیه را بعنوان یکی از مهمترین سایت های مناسب برای نصب ایستگاه های راداری موشکی در نظر گرفته شد (oguzlu, 2012: 158). سامانه پاتریوت یک سیستم دفاع هوایی موشکی هدایت شونده است که توانایی مقابله با موشک های بالستیک تاکتیکی، موشک های کروز و هواپیماهای پیشرفته را در تمامی شرایط آب و هوایی و در هر ارتفاعی دارا است. نشست لیسبون در حالی برگزار شد که سران آن در باره سپر دفاع موشکی و استقرار آن در ترکیه به تبادل نظر پرداختند و آن را مورد پذیرش قرار دادند. هدف از سپر دفاع موشکی، آنگونه که آمریکاییها بیشتر از ناتو به دنبال آن هستند، مقابله با تهدیدات موشکی است. در واقع در ادامه تحولات یاد شده بود که طی جریان نشست شورای راهبردی در بیست و نهمین اجلاس شورای همکاری ترکیه و آمریکا در واشنگتن، موضوع استقرار سیستم های موشکی ناتو در خاک ترکیه، با هدف مقابله با سیستم های موشکی ایران مطرح گردید. زیرا آنها معتقدند که ایران دارای بزرگترین نیروی موشک های بالستیک در خاورمیانه و دومین کشور پس از کره شمالی است (kay, 2012: 39).

برنامه سپر موشکی در اصل یک طرح آمریکایی است. قرار است این طرح برای تقویت امنیت اسرائیل، کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی در مقابله با تهدیدات موشکی برنامه ریزی شده است. همزمان با نشست مقامات بلند پایه ناتو در لیسبون، آمریکا سعی داشت با تأکید بر اهمیت موقعیت استراتژیک ترکیه در تحقق این سیستم، به هر طریقی رضایت ترکیه برای استقرار بخشی از

2. Colin Powell
3. Dick Cheney

1. Patriot
1. The Greater Middle East Initiative

ناتو به خاورمیانه به کشورهای خاورمیانه ای عضو سازمان کمک می کند تا نخست اختلافات خود را در چارچوب آن حل و فصل کنند و سپس با تهدیدات کشورهای غیر عضو مقابله نمایند(شجاع، ۱۳۸۸: ۲۰۰). آنچه تحت عنوان خاورمیانه بزرگ توسط مقامات سیاست خارجی امریکایی طراحی و منتشر گردیده است را می توان جلوه هایی از تضاد امنیتی غرب با جمهوری اسلامی ایران دانست. چنین تضادهایی به گونه ای فزاینده افزایش خواهد یافت و زمینه برای ظهور بحرانهای جدید در منطقه ایجاد خواهد شد.

۹ پیامدهای حضور نظامی ناتو در خاورمیانه و امنیت ملی ج.ا.ایران

جمهوری اسلامی ایران دارای مرزهای مشترک با ۱۵ کشور می باشد. همسایگان ایران به لحاظ مؤلفه های ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه ای برای ناتو به طور عام و ایالات متحده به طور خاص برخوردار هستند(متقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۹). جهت گیری پیمان ناتو بیش از آنکه معطوف به مقابله با قدرت های بزرگ باشد، در راستای رویارویی با کشورهای منطقه ای و بازیگران فروملی سازماندهی شده است. در چنین شرایطی، راهکنش (تاکتیک) و راهبرد آمریکا و پیمان ناتو تغییر یافته و در راستای مقابله با بازیگرانی است که سیطره آمریکا و جهان غرب را مورد پذیرش قرار نمی دهند. در حقیقت آمریکا و ناتو با حضور گسترده نظامی در خاورمیانه و عقد پیمان ها و قراردادهای مختلف امنیتی، نظامی با کشورهای منطقه سعی کرده اند که نفوذ خود را در این کشورها رسمی نموده. که هدف اصلی این حضور تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری است که نقش مهمی در سرنوشت سیاسی و اقتصادی منطقه بازی کرده و می کند. یکی از تهدیدات امنیتی که ناتو برای خود در دهه آینده ترسیم کرده است در حوزه سلاح های متعارف، موشک های بالستیک و در حوزه سلاح های

برگزاری این اجلاس زمینه برای ارتقای نقش ناتو در نهادها و سازمان های منطقه ای به وجود آمد. نهاد گرای و منطقه گرایی آمریکایی در زمره اصلی ترین عوامل سازماندهی خاورمیانه جدید محسوب می شود. فرایندی که مبتنی بر چند جانبه گرایی راهبردی بوده و از سوی دیگر، زمینه های ادغام امنیتی کشورهای خاورمیانه در قالب رهیافت خاورمیانه بزرگ را به وجود آورد(kagan,2004: 30). در مارس ۲۰۰۵ اجلاس ناتو و خاورمیانه بزرگ تشکیل شد و برای نخستین بار، بر لزوم نزدیکی ناتو با کشورهای همکاری خلیج فارس تأکید شد.

طرح خاورمیانه بزرگ بر پایه این فرض استوار است که انجام اصلاحات اقتصادی، ارتقاء حقوق بشر و استقرار دموکراسی در خاورمیانه، با افزایش مشارکت مردم منطقه در دست آوردهای توسعه اقتصادی و سرنوشت سیاسی کشورهايشان موجب کاهش نارضایتی و از بین بردن بستر رشد بنیادگرایی اسلامی و تروریسم بین المللی خواهد شد. آنچه مسلم است اینکه واشنگتن در چارچوب جنگ با تروریسم درصدد است تا فضای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه را متناسب با ضروریات امنیتی خود تغییر دهد و این مهم را در قالب طرح خاورمیانه بزرگ به پیش می برد. ناتو در این زمینه می تواند کاملاً مؤثر باشد، زیرا که عضویت کشورهای خاورمیانه ای در ناتو نیازمند انجام اصلاحاتی است که با اصلاحات مورد نظر واشنگتن در قالب طرح خاورمیانه بزرگ هماهنگ است(شجاع، ۱۳۸۸: ۲۰۲).

گسترش روابط با رژیم اسرائیل یکی از خواست های بازگشت غرب از کشورهای خاورمیانه ای است. چرا که غرب می کوشد تا به نوعی با انجام اصلاحات مورد نظر، اسرائیل را در برابر کشورهای عربی بیمه کند. اختلافات ارضی و مرزی، تفاوت های ایدئولوژیک و نظام های ارزشی و نیز خریدهای تسلیحاتی گزاف، منطقه خاورمیانه را به یک انبار باروت و یکی از مهمترین کانون های نزاع در نظام بین الملل کنونی بدل ساخته است. ورود

۹.۱ مقابله با توان هسته ای ج.ا.ایران

ایالات متحده پس از فروپاشی شوروی و آغاز نظام تک قطبی، به صورت پلکانی حوزه مسئولیت قاره ای ناتو به سمت نقش پذیری جهانی را توسعه داده و بین «تهدید صلح و ثبات منطقه ای» و منافع ناتو یک رابطه پایدار را تعریف می کند. یکی از نکات قابل تأمل «الگو مقاومت فعال» ایران به توسعه بومی صنعت هسته ای صلح آمیز و گسترش انقلاب نرم افزاری تولید علم در حوزه فن آوری های نوین در شرایطی است که متولیان نظام سلطه با مدیریت تحریم های هدفمند و افزایش لفاظی های رسانه ای، بارها سعی کرده اند تا حرکت رو به جلوی «بومی کردن دانش هسته ای» را متوقف کنند (دلورپور اقدام، ۱۳۸۸، ص ۲۸). عمده ترین نگرانی خاطر آمریکا و ناتو این است که با فرض عدم صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران و تحقق ادعای آنها دائر بر دسترسی احتمالی ایران به سلاح های هسته ای و غیره، توازن قدرت موجود در منطقه ی خاورمیانه به نفع ایران عوض می شود (اسدی، ۱۳۸۶: ۱۷).

دخالت ناتو به عنوان عاملی مضاعف، می تواند به منزله افزایش فشار بین المللی بر ایران باشد که به این کشور هشدار می دهد سیاست های کنونی تهران عواقب بدی به دنبال دارند. ناتو با ورود خود می تواند شانس جواب دادن روش چماق و هویج را بالا ببرد. اعضای سازمان ناتو بارها اعلام کرده اند که ایران هسته ای را نمی پذیرند. بیانیه ای شفاف از سوی این سازمان می تواند نشان دهنده اتحاد با اعضای که در خطر موشکی ایران قرار دارند باشد و موضع یک پارچه ۲۸ عضو ناتو بر سر مسئله ایران را تبیین کند. آن چه گفته شد بدان معنا نیست که ناتو باید در حمله به تأسیسات هسته ای و موشکی ایران مشارکت داشته باشد. مداخله این سازمان می تواند نشان دهنده آن باشد که اعضای ناتو بر خطرات ایرانی مجهز به سلاح هسته ای واقفند و تمایل دارند فشار بر تهران افزایش پیدا کند.

نامتعارف اشاعه سلاح های هسته ای است، از این رو با توجه به اتهامات غرب علیه ایران برنامه موشکی کشورمان و نیز فناوری هسته ای صلح آمیز کشور مسلما در زمره تهدیدات امنیتی قرار می گیرند. توسعه حیطه ی جغرافیایی سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ناتو از نگاه بسیاری از کارشناسان، نه تنها دربردارنده ثبات و امنیت برای ایران نخواهد بود، بلکه احتمالاً منابع نامنی را در محیط امنیتی ایران تشدید می کند (علایی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

جمهوری اسلامی ایران در زمان سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب، با اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی، سیاست خارجی از مستقلى را نسبت به موضوع های جهانی اتخاذ کرده است. این سیاست موجب شده است ایران با توجه به گستردگی تمدن ایرانی - اسلامی و پیوندهایی فرهنگی و تاریخی که با کشورهای پیرامون خود دارد، در مناطق قفقاز، آسیای مرکزی، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی یعنی عراق و ترکیه تا شاخ آفریقا، منطقه ای راهبردی برای خود ایجاد کند و از امکانات بالقوه و بالفعل برای گسترش همکاریهای دوجانبه و چندجانبه منطقه ای و جهانی برخوردار شود. اتخاذ چنین رویکردی توسط ایران در سه دهه گذشته که به تعمیق جایگاه و موقعیت آن در منطقه انجامیده، ناتو و به خصوص آمریکا را به تمرکز بیشتر بر موضوع ایران کشانده است. ایران در مرکز ثقل سه منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و شبه قاره هند قرار دارد. مرزهای مشترک ایران با ۱۵ کشور همسایه که هریک به گونه ای با مؤلفه های امنیتی آمریکا و غرب ارتباط دارند، از اهمیت ویژه ای برای ناتو برخوردار است. از سویی دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب ایران محلی برای تأمین و عبور انرژی، حائز اهمیت ژئوپلیتیک است. ۷۰ درصد نفت و بیش از ۴۰ درصد گاز طبیعی جهان در این دو منطقه وجود دارد (دولت آبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

۹.۲ مقابله با توان موشکی ج.ا.ایران

سپر موشکی ناتو در ترکیه در حقیقت بخشی از پروژه سپر موشکی آمریکا است که با هدف مقابله با موشک های بالستیک (قاره پیما) و تسلط نظامی امنیتی بر جهان طراحی و اجرا می شود. این طرح که بخشی از استراتژی پیش دستانه ضربه اول تلقی می شود و قرار است تا سال ۲۰۲۰ اجرایی شود، به آمریکا امکان می دهد طی ۶۰ دقیقه و بدون نیاز به جا به جایی عظیم نیروی انسانی و تجهیزات فوق العاده نظامی اهداف خود در سراسر جهان را هدف قرار دهد. موضوع از آنجا ناشی می شود که در بیست و نهمین اجلاس شورای همکاری ترکیه و آمریکا در واشنگتن، موضوع استقرار سیستم های موشکی ناتو در خاک ترکیه، با هدف مقابله با سیستم های موشکی ایران مطرح گردید (کوزه گرکالجی، ۱۳۸۹: ۸۶). برداشت ایران از استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه چه با هدف تدافعی و بازدارندگی و چه با هدف تهاجمی، یکی است و آن تهدید علیه امنیت کشور است. استقرار این سیستم موشکی در ترکیه هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم عاملی تحریک کننده برای ایران محسوب می شود. هدف از ایجاد این شبکه، شناسایی، ردگیری و منهدم کردن موشک هایی است که مواضع ناتو و متحدان آمریکا را در منطقه هدف قرار می دهد. این سامانه راداری امکان می دهد تا موشک هایی را که به سوی هدف های مورد حفاظت ناتو پرتاب می شوند، ردگیری کند و قبل از اصابت به هدف، منهدم سازد. دقت این سیستم تا حدی است که قادر به شناسایی اشیائی به اندازه یک توپ فوتبال از مسافت ۴۷۰۰ کیلومتری است. موشک هایی که این سیستم شناسایی کرده، از سوی موشک های ناتو که در دیگر کشورها مستقر شده اند، نابود می شود.

۹.۳ مقابله با سوریه

سوریه محور دیگر تحرکات ناتو در منطقه است. ائتلافی از صهیونیست ها کشورهای مرتجع عربی،

غربی ها و ترکیه هر کدام با هدف خاصی در قالبی تقریباً واحد به بهره برداری از تحولات داخلی سوریه پرداختند. در کنار ائتلاف مذکور، ناتو نیز برای رسیدن به منافع توسعه طلبانه در منطقه در جمع متجاوزان و بحران سازان در سوریه قرار گرفت. ناتو که تلاش دارد مستقیماً وارد عرصه جنگ نشود و از هزینه های اقدام نظامی علیه سوریه در هراس است تلاش کرده تا با حاشیه سازی و بازی های غیرمستقیم، این طرح را اجرایی سازد. ناتو تلاش دارد با کمترین هزینه و در حالی که حضور نظامی اش در منطقه محسوس نباشد سلطه بر سوریه را اجرایی سازد. در صورت تحقق این امر ناتو می تواند بر کل منطقه سلطه داشته باشد و منافع غرب را تأمین کند (تتماج، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲). اصرار ترکیه برای استقرار سامانه های موشک های پاتریوت اروپا در مرزهای سوریه، همسو با منافع غرب و پس از شکست طرح محدوده پرواز ممنوع بر فراز خاک سوریه و در راستای امنیت سازی بیشتر برای رژیم صهیونیستی، تنش را نه تنها با همسایگان، بلکه در ابعاد سیاسی و داخلی تشدید کرده است. از سوی دیگر آن را می توان سیگنالی به اصلی ترین حامیان بشار اسد - ایران و روسیه دانست.

۹.۴ تأمین امنیت اسرائیل

جنگ (۳۳ روزه) و (جنگ ۲۲ روزه) مفاهیم نظامی و دکترین امنیتی اسرائیل را با پرسش ها و مشکلات جدی روبه رو ساخت. بنابراین جنگ ۳۳ روزه باعث آشکارا شدن نقاط ضعف دفاعی اسرائیل شد. سپر دفاع موشکی آمریکا و ناتو محافظ اسرائیل در مقابل تهدیدات موشکی ایران خواهد بود. هدف اصلی سپر دفاع موشکی ناتو حفاظت از اسرائیل و تحت فشار گذاشتن ایران می باشد (قلی زاده، ۱۳۸۹: ۸). بنابراین آمریکا سعی می کند که با استقرار سپر دفاعی خود در ترکیه و خلیج فارس به نوعی امنیت اسرائیل را دوباره برقرار سازد.

سپر موشکی ناتو همچنین به صورت ویژه بر موقعیت اسرائیل به عنوان یک رژیم ناهمگون در منطقه تأثیرگذار خواهد بود. این رژیم که پس از

حفظ صلح و حمایت از مأموریت های انسان دوستانه در داخل و خارج از اروپا انجامیده که می تواند به تکامل آن کمک کند(مهرورز، ۱۳۹۰: ۹۱).

جمهوری اسلامی ایران ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه را منوط به خروج نیروهای بیگانه از منطقه می داند. ایران در قبال مسئله فلسطین موضعی غیر از موضع غرب و برخی از کشورهای منطقه دارد. در اجلاسیه استانبول، سران ناتو بر تلاش برای جلوگیری از اشاعه سلاحهای کشتارجمعی تأکید کردند. آمریکا درصدد است مواضع کشورهای اروپایی را در مورد مسائل هسته ای ایران به موضع خود نزدیک نماید و با معرفی ج.ا.ایران به عنوان خطر بالقوه هسته ای، محدودیت های بین المللی بر ضد کشورمان را افزایش دهد. مشارکت گروه ۵+۱ را میتوان نمادی از همکاری کشورهای اروپایی عضو ناتو با آمریکا در ارتباط با قابلیت اصلی ج.ا.ایران دانست. تداوم همکاریهای ناتو با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس میتواند در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی تبعاتی منفی برای ج.ا.ایران در پی داشته باشد. همکاری ناتو با کشورهای منطقه، برای مقابله با تروریسم، بنیادگرایی و امحای سلاحهای کشتارجمعی است. ناتو همکاریهای خود در زمینه ی تبادل اطلاعات گفتوگوهای امنیتی با کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای حاشیه مدیترانه را آغاز نموده است. چنین فرآیندی محدودیت های بیشتری را برای ج.ا.ایران یاد می کند (دولت آبادی و دیگران ، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

هر چند ایران قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر و در دوران جنگ سرد حائز اهمیت بود، اما افزایش نقش و نفوذ ایران بعد از این حادثه و بحران عراق در سال ۲۰۰۳ قابل مقایسه با دوران قبل نیست. افزایش اهمیت نقش ایران به دلیل قرارگرفتن ایران در يك محیط سیاسی- امنیتی است که برای نظام جهانی دارای اهمیت حیاتی است. در اصل بازیگری بالایی ایران در مسائل خاورمیانه و همچنین برنامه هسته ای و تصمیم بهای حفظ چرخه مستقل سوخت هسته ای زمینه ای گفتوگوهای استراتژیک

سقوط پیاپی متحدان نزدیک خود، به شدت خود را در معرض تهدید می بیند، با استقرار این سامانه ها در ترکیه امیدوار است بتواند بخش از تهدیدهای پیرامونی خود را خنثی کرده و خود را در موقعیت برتر نسبت به قدرت های منطقه قرار دهد. مهم آنکه ناتو برای تحقق طرح های خود عضویت رژیم صهیونیستی در عملیات های ناتو را پذیرفته است و به نوعی تلاش دارد تا عضویت دائم این رژیم را نهایی کند. این امر از دو نظر برای ناتو اهمیت دارد نخست آنکه از ظرفیت های نظامی صهیونیست ها برای بحران سازی در منطقه بهره برداری می کند. دوم آنکه اعراب را بیش از پیش به همگرایی با خود سوق می دهد(تتماج، ۱۳۹۱: ۳۳).

۹.۵ تشکیل نیروی واکنش سریع

در اکتبر سال ۲۰۰۳ بود که ناتو از تصمیم خود مبنی بر تشکیل اولین نیروهای واکنش سریع خبر داد. ناتو علاوه بر طرح سند توانمندی های پراگ، تشکیل یک نیروی واکنش سریع ناتو را نیز اعلام کرد. تشکیل نیروی واکنش سریع ناتو یک بخش تفکیک ناپذیر از فرآیند تغییر تشکیل توانمندی های پراگ و ساختار جدید فرماندهی محسوب می شود. نیروی واکنش سریع ناتو همچنین به عنوان کاتالیزوری برای ارتقای توانمندی ها بود. ریشه های تشکیل این نیرو به نشست غیر رسمی وزرای دفاع ناتو در ۲۴ و ۲۵ دسامبر ۲۰۰۲ ورشو برمی گردد. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا در این نشست پیشنهاد تشکیل یک نیروی واکنش سریع برای ناتو مطرح کرد که در واقع تشکیل یک نیروی دائمی ناتو را از ۵ هزار نفر به ۲۰ هزار نفر پیشنهاد کرد(Bials&kohl,2005: 1).

نیروی واکنش سریع ناتو متشکل از واحدهای کوچک و بسیار متحرک خواهند بود که قادر هستند در مناطق فرا سوی اروپا به مدت ۷ تا ۳۰ روز مستقر شوند، جایی که منافع ناتو در معرض تهدید قرار می گیرد. از دیدگاه دولت های عضو ناتو، تشکیل این نیروها به افزایش انعطاف پذیری اتحادیه با ظرفیت مداخله در منازعه های خفیف، مبارزه با تروریسم و تکثیر سلاح های کشتار جمعی، هدایت عملیات

ترسیم کرده است در حوزه سلاح های متعارف، موشک های بالستیک و در حوزه سلاح های نامتعارف اشاعه سلاح های هسته ای است، از این رو با توجه به اتهامات غرب علیه ایران برنامه موشکی کشورمان و نیر فناوری هسته ای صلح آمیز کشور مسلما در زمره تهدیدات امنیتی قرار می گیرند. آنچه مشخص است گسترش جغرافیایی و کارکردی ناتو و حضور این سازمان در مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران روند جدی و قابل تأملی است که در طی یک دهه گذشته با یک مدیریت و برنامه ریزی حساب شده ازسوی مقامات و اعضای این سازمان پیگیری شده است.

آنچه مسلم این است که حضور مستمر و فعال ناتو در خاورمیانه و همجواری با جمهوری اسلامی ایران و همسایگی در مرزهای ایران باعث پیچیده شدن اوضاع منطقه و امنیت ج.ا.ایران شده است. چرا که ناتو استراتژی خود را به جنگ پیشدستانه و متقاعدکردن افکار عمومی مبنی بر مقابله با تروریسم باعث شده است که امنیت ایران در منطقه به خطر بیفتد این در حالی است که ناتو با کمک امریکا سپر دفاعی موشکی خود را در ترکیه در کنار مرزهای ایران قرار داده است. سپر دفاعی موشکی از نوع پاتریوت با توانایی رهگیری و ردیابی فوق العاده می تواند موشک های بالستیک و قاره پیما را فوراً شناسایی کند که این امر هر چه بیشتر باعث کاهش بازدارندگی و و کاهش امنیت ایران می شود. یکی دیگر از شاخص های کاهش امنیت ملی ایران این است که ترکیه و ناتو و همچنین آمریکا سعی دارند که از این سپر دفاعی علیه سوریه که یکی از محورهای مقاومت و هم پیمان ایران می باشد بنابراین اگر ترکیه از این موشکها علیه سوریه استفاده کند باعث از بین رفتن محور مقاومت و در نتیجه باعث کاهش امنیت ملی ایران می شود.

ایجاد فضای جدید ژئوپلیتیک و گسترش حریم امنیتی برای کشورهای عضو پیمان ناتو در منطقه خاورمیانه، به منزله تنگ کردن عرصه نفوذ،

ایران و آمریکا و مذاکرات احتمالی بین دو طرف از موضع برابر سیاسی در منطقه را فراهم کرده است. تقویت رویکرد توسعه ای در سیاست خارجی، با تأکید بر ژئوپلیتیک حساس ایران است که همزمان فرصتها و چالشهای زیادی را برای منافع ملی ایران به همراه می آورد. براین اساس بهتر است که ایران تنها حضور فعال در محیط فوری امنیتی خود در سطح همسایگان داشته باشد. در مقابل منطقه گرایی جدید معتقد است ایران باید علاوه بر حضور فعال در مناطق فوری امنیتی خود، در مناطق غیر فوری امنیتی خود از جمله خاور نزدیک (لبنان، فلسطین) نیز حضور فعال و تأثیر گذار داشته باشد. از دامنه های نقش و نفوذ خود برای رفع تهدیدهای امنیتی ناشی از آمریکا و اسراییل و همچنین حفظ منافع استراتژیک خود در منطقه و در ارتباط با قدرتهای بزرگ استفاده کند. به عبارت دیگر به نوعی بین توسعه اقتصادی، امنیت و منافع ملی خود تعادل ایجاد کند (برزگر ، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۰). کارآمدترین استراتژی سیاست خارجی این است که چند اصل کلان را در استراتژی خود تعریف کرده سپس باتوجه به ویژگی های ژئوپلیتیک محلی و منطقه ای، سیاست خارجی خود را بر مبنای دو اصل ثابت همکاری بیشتر منطقه ای و بازدارندگی تهدید از منطقه به نوعی تعادل برساند. همین امر، ایران را به سمت قوی شدن از درون سوق می دهد (۲۰۱۸ :) Bayoumy, Landy and Stobe.

جمع بندی نهایی

استراتژی های جدیدی که ناتو پس از جنگ سرد برای حفظ و بقای خود در پیش گرفت مثل طرح مشارکت برای صلح و رویکردهای فرا منطقه ای آن باعث شد که در مناطق استراتژیکی همچون خاورمیانه حضور پیدا کند و نیروهای ناتو در همسایگی ایران قرار بگیرند و منافع و امنیت ج.ا.ایران را در منطقه به خطر بیندازند. یکی از تهدیدات امنیتی که ناتو برای خود در دهه آینده

که ج.ا.ایران بتواند با تهدیداتی که از دور متوجه ایران است مقابله کند. این امر سبب افزایش توان بازدارندگی ایران در مقابل آمریکا و ناتو می‌گردد که تولید موشک‌های شهاب-۳ اولین اقدام مهم در این جهت است؛

۳. دیپلماسی دفاعی: فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی گامی مؤثر در تولید و زایش بیش از پیش قدرت ملی می‌باشد. گستره‌ی این برنامه از کشورهای همسایه تا شرق دور و از جنوب تا شمال آفریقا و آن سوی اقیانوس اطلس یعنی آمریکای لاتین را شامل می‌شود. البته با اولویت بندی و افزایش حداکثری مناسبات دفاعی با کشورهای همسایه، کشورهای مسلمان و کشورهای مستقل و آزاد دارای فناوری پیشرفته؛

۴. تلاش برای ایجاد ساختار امنیت بومی منطقه‌ای: سیاست کلی جمهوری اسلامی ایران ایجاد یک ساختار امنیت منطقه‌ای بومی است؛ به گونه‌ای که این ساختار با مشارکت تمامی کشورهای منطقه ایجاد شود؛

۵. تلاش برای اعتماد سازی و تنش زدایی با کشورهای منطقه؛

۶. تلاش برای حل اختلاف‌ها میان کشورهای منطقه؛

۷. حمایت هدفمند از خیزش‌های مردمی در جهان عرب؛

۸. مدیریت بحران‌های دفاعی کشور؛

۹. فلج‌سازی راهبرد ناتو در خاورمیانه: هدف اصلی در فلج‌سازی راهبردی شرایط و وضعیتی است که دشمن(ناتو) نتواند از توانمندی‌های خود(سخت افزار/نرم افزار) استفاده نماید؛

وایش(کنترل) راهبردی و تهدید عمق راهبردی و منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران تلقی می‌گردد. استقرار سامانه دفاع موشکی ناتو در ترکیه نیز در این چارچوب قابل تبیین است و در بلندمدت، موجب چالشهای قدرت بازدارندگی ایران میشود. در مقابل، ایران نیز با درک کاهش قدرت بازدارندگی خود، میکوشد به منظور تأمین امنیت بیشتر، دست به موازنه قوا بزند و از برهم خوردن موازنه راهبردی در منطقه و جهان به ضرر خود جلوگیری کند. از این رو، امریکا با گسترش سامانه‌های دفاع موشکی ناتو، میکوشد موازنه قدرت در برابر ایران را برقرار نماید و مانع از به هم خوردن موازنه قدرت به نفع ایران در منطقه شود.

ارائه راهکارها و پیشنهادات نگارنده

۱. دکترین دفاعی کشورمان مبتنی بر در پیش گرفتن «استراتژی تهدید در مقابل تهدید» است. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربیات خود از فردای پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه تجربه هشت سال جنگ تحمیلی، به جای آنکه همه توان خود صرف افزایش توان نظامی کلاسیک و ایجاد عمق دفاعی بیشتر نماید، با تغییر تاکتیک به جای افزایش تلاش در جهت افزایش ظرفیت‌های متعارف دفاعی، من جمله ایجاد نیروی هوایی مدرن و کارآمد، سیستم جامع هشدار دهنده رادار و تدارک دفاع ضد موشکی و همچنین نیروی دریایی کلاسیک مدرن، نقاط ضعف حریف(ناتو) را در منطقه و جهان شناسایی و تمام پتانسیل خود را معطوف نابودی این نقاط ضعف قرار داده است؛

۲. افزایش توان موشکی: برای ج.ا.ایران موشک‌های بالستیک در درجه اول یک عامل بازدارنده است. مهم‌ترین آن تلاش برای افزایش این موشک‌هاست به نحوی

۱۰. اتخاذ رویکرد موازنه مؤثر در روابط منطقه ای و در تعامل با بازیگران برتر منطقه ای.

فهرست منابع

منابع فارسی

دهقانی، محمود (۱۳۸۳)، «راهبرد آینده ناتو در خاورمیانه»، **معاونت پژوهش های سیاست خارجی**، شهریور

دیوسالار، مجید؛ خان محمدی، علی اکبر (۱۳۹۴)، «تأثیر امنیتی گسترش جغرافیایی ناتو بر امنیت ملی و کارکردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه علوم وفنون نظامی**، دوره ۱۱، شماره ۳۱، بهار

سیف زاده، حسین (۱۳۸۸)، **نظریه ها و تئوری های مختلف در روابط بین الملل فردی-جهانی شده: مناسبت و کارآمدی**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی

شجاع، مرتضی (۱۳۸۸)، «بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه: با تأکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی**، شماره چهارم، زمستان

طباطبایی، سیدعلی، محمودی، علی (۱۳۸۹)، «تأثیر قراردادهای همکاری ناتو و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان

علایی، حسین (۱۳۸۸)، «تأثیر پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه انجمن جغرافیای ایران**، سال هفتم، شماره ۲۳، زمستان

اسدی، بیژن (۱۳۸۶)، «تأثیر توان هسته ای ایران بر توازن قدرت، روابط و امنیت منطقه ای»، **پژوهش نامه علوم سیاسی**، شماره ۶، بهار

تتماج، علی (۱۳۹۱)، «نگاه سودجویانه ناتو به غرب آسیا»، **ماهنامه پیام انقلاب**، شماره ۶۷، بهمن

تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۴)، «بررسی پیامدها حضور ناتو در همسایگی ایران (با تأکید بر تحولات عراق)»، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، سال ۱۲، شماره ۴۷، بهار

ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، «جایگاه ناتو در راهبرد خاورمیانه ای آمریکا و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **پژوهشنامه دفاع مقدس**، دوره ۲، شماره ۵، بهار

ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۶)، «ناتوی جدید در معاملات بین المللی»، **معاونت پژوهش های سیاست خارجی**، شماره ۹، شهریور

حق شناس، محمدجواد، بشیری، سعید (۱۳۹۰)، «ناتو و گرایش ایران به سازمان همکاری شانگهای»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۸۴، تابستان.

دلاورپور اقدام، مصطفی (۱۳۸۸)، «اوباما؛ ایران هسته ای و راهبرد مهار»، **ماهنامه پگاه حوزه**، شماره ۲۵۳، اردیبهشت

بین المللی (نمونه موردی: ناتو)، «فصلنامه ژئوپلتیک»، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان

متقی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۱)، «عوامل گسترش مرزهای ژئوپولیتیک ناتو و امنیت ملی ج.ا.ایران»، مرکز تحقیقات راهبردی، شماره دوم، شهریور

مهرورز، آسیه (۱۳۹۰)، «بررسی تحولات رهنامه دفاعی- نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر محیط امنیتی ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره سی و سوم، تابستان

مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۴)، «آینده خاورمیانه در انتظار تصمیم ایران»، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1956243>

هادیان، حمید (۱۳۸۶)، «ناتو و خاورمیانه»، مرکز مطالعات استراتژیک، شماره ۹، شهریور

قلی زاده، علی ولی (۱۳۸۹)، «استقرار طرح سپر موشکی ناتو در ترکیه و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۱، اسفند

قوام ملکی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «چشم اندازهای همکاری ناتو با اسرائیل»، فصلنامه ره نامه سیاستگذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم، زمستان

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۵)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات سمت

کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۹)، «آنکارا و چالش استقرار موشک های ناتو در مقابل سیستم موشکی ایران»، ماهنامه گزارش، شماره ۲۲۳، آذر

کولایی، الهه، تیشه یار، ماندانا (۱۳۸۵)، «دگرگونی های ژئوپلیتیکی و تحول در مأموریت، ساختار و کارکرد نهادهای

منابع انگلیسی

- Ronald, D. Asmus (2007). **Contain Iran: Admit Israel to NATO**, www.ajcongress.org/site/DocServer/Ronald_D._Asmus.pdf?docID
- Kenneth waltz, (1979), **Theory of International Politics**, (69 New York: Mcg Raw).
- Ross, Mike, (2008). **Iran-Making acase for NATOs Political Engagement Retrieved**, from NATO parliamentary Assembly, available15 December at: <http://www.nato-pa.int/default.asp?>
- Tarkio Oguzlu, (2012), **Turkeys Eroding Commitment to NATO: from Identity to Interests**, centers for strategic and International studies the Washington Quarterly.
- Sean Kay, (2012), **NATOS Missile Defense Realigning Collective Defense for the 21 Century**, PERCEPTIONS, spring.
- Kagan Robert, (2004), **Of Papadis and Power America versus Europe in the New World Order**, New York: Knopf.
- Jeffrey p. Bails and Stuart L. kohl, (2005), **The NATO Response Force**, center for technology and nation

Security Policy national Defense
University, September.

George Friedman,(2017), **NATO, the
Middle East and Eastern Europe**,
[https://geopoliticalfutures.com/
nato-middle-east-eastern-
europe/?format=pdf](https://geopoliticalfutures.com/nato-middle-east-eastern-europe/?format=pdf).

NATOSummitGuide,(2016),[http://www.n
ato.int/nato_static_fl2014/asset
s/pdf/pdf_2016_07/20160715_1
607-Warsaw-Summit-
Guide_2016_ENG](http://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/pdf_2016_07/20160715_1607-Warsaw-Summit-Guide_2016_ENG).